

# حمایت از کودکان کم توان در برابر خشونت

در

## پروژه‌های توانبخشی جامعه محور:

چرا برای کودکان کم توان، به نوع متفاوتی از سیاست‌های حمایت از کودک  
نیاز داریم؟

ترجمه: محدثه شمس‌احمر

انتشار: سایت حق کودکی

<http://right-to-childhood.com>

## حمایت از کودکان کم‌توان در برابر خشونت در پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور:

چرا برای کودکان کم‌توان، به نوع متفاوتی از سیاست‌های حمایت از کودک نیاز داریم؟

ماریکه بورسما

مجله‌ی کم‌توانی، توانبخشی جامعه محور و توسعه فراگیر، ۲۰۱۳

ترجمه: محدثه شمس‌احمر

انتشار: سایت حق کودکی

ارجاع: بورسما، ماریکه (۲۰۱۳). حمایت از کودکان کم‌توان در برابر خشونت در پروژه‌های توانبخشی جامعه محور: چرا برای کودکان کم‌توان، به نوع متفاوتی از سیاست‌های حمایت از کودک نیاز داریم؟. ترجمه‌ی شمس‌احمر، محدثه، سایت حق کودکی،

فوریه ۲۰۱۵

### چکیده:

کودکان کم‌توان، در طول زندگی، نسبت به دیگر همسالان خود با میزان بیشتری از خشونت مواجه می‌شوند. سازمان‌های مرتبط با [برنامه‌های] توانبخشی جامعه‌محور<sup>1</sup> با موارد زیادی از [اعمال] خشونت علیه کودکانی که با آنها کار می‌کنند، مواجه هستند. بسیاری از سازمان‌ها، هیچ برنامه‌ای در راستای حمایت از کودکان ندارند زیرا این مساله در حیطه‌ی تخصصی آنها نیست. سایر سازمان‌ها بر مبنای یکسری سیاست‌های حمایتی عمل می‌کنند که اعمال آنها در شرایط واقعی‌ای که با آن روبرو هستند دشوار است. نویسنده‌ی [مطلب پیش‌رو]، به واسطه‌ی تحقیقاتی که در اتیوپی به عمل آمده و اخیراً به‌روزرسانی شده است، تلاش دارد نشان دهد که در [برنامه‌های] توانبخشی جامعه‌محور، به سیاست‌هایی نیاز است که در ارتباط با حقوق کودک، بیشتر رویکردی جمعی و نه فردی را دنبال کند.

واژگان کلیدی: بدرفتاری، کودکان کم‌توان، رویکرد حمایت جمعی

خلاصه

<sup>1</sup> Community Based Rehabilitation

خشونت علیه کودکان کم‌توان، معضل گسترده‌ای است. آمار به دست آمده از تحقیقات مختلف، بیانگر شدت این مساله است. مطالعات صورت گرفته توسط "انجمن آفریقایی سیاست‌های [حمایت از] کودکان"<sup>2</sup> نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از کودکان کم‌توان در اتیوپی، سنگال، زامبیا و کامرون در طول زندگی با خشونت روبه‌رو می‌شوند (انجمن آفریقایی سیاست‌های [حمایت از] کودکان، ۲۰۱۱) و مؤسسه "سرزمین مردم"<sup>3</sup> [نیز] دریافته است که بین ۱۵ تا ۲۰ درصد کودکان کم‌توان در شرق آفریقا با خشونت مواجه می‌شوند (اشتوپلر، ۲۰۰۷). برآورد شده است که خشونت علیه کودکان کم‌توان ۱.۷ برابر بیشتر از خشونت علیه کودکان دیگر است، این در حالی است که مطابق با گزارش جهانی اخیر درباره‌ی خشونت علیه کودکان، کودکان کم‌توان ۴ تا ۵ برابر بیشتر از دیگر هم‌سن‌وسالان خود مورد خشونت قرار می‌گیرند (کول و بکر، ۲۰۱۱). گرچه تاکنون تحقیقات زیادی در کشورهای در حال توسعه در خصوص خشونت علیه کودکان کم‌توان صورت نگرفته، [اما] به نظر می‌رسد که تحقیقات [موجود] مؤید گستردگی این معضل هستند.

در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ نویسنده این مقاله، تحقیقی را بر مبنای روایت‌های به دست آمده از کودکان کم‌توان و خشونت‌دیده در اتیوپی انجام داد و بر همین اساس، رساله‌ای نوشت (بورسما، ۲۰۰۸). ارتباط با این کودکان از طریق مدارس، سازمان‌های مرتبط با افراد کم‌توان و پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور میسر شد. پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور، نقشی کلیدی در پیدا کردن این کودکان داشتند. استراتژی [برنامه‌های] توانبخشی جامعه‌محور، فعالیت افراد کم‌توان در داخل جامعه بوده و هدف این برنامه‌ها، ورود این افراد به تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی است. حین کار در اجتماع، مددکاران [برنامه‌های] توانبخشی جامعه‌محور با کودکان کم‌توان خشونت‌دیده مواجه می‌شوند. بر مبنای تجربه شخصی (به عنوان مشاور توانبخشی جامعه‌محور برای پروژه‌های «روشنایی برای جهان»<sup>4</sup> در اتیوپی، بورکینافاسو، سودان جنوبی و موزامبیک) نگارنده به این نتیجه رسیده است که تقریباً هیچ یک از پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور نتوانسته‌اند اقدام موفقیت‌آمیزی برای حمایت از این کودکان در مواجهه با خشونت انجام داده و در صورت نقض حقوقشان، آنها را در دستیابی به عدالت یاری رسانند. اغلب، در کشورهای در حال توسعه، پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور کمتر از سیاست‌های حمایت از کودک استفاده می‌کنند. دلیل این امر فقدان منابع تخصصی و کمبود آگاهی درباره امکان‌ها و نیاز به حمایت از کودکان کم‌توان در برابر خشونت است. در این مقاله، با طرح نمونه‌هایی از تجارب شخصی از تحقیق در اتیوپی، نویسنده، عوامل مسبب خشونت علیه کودکان کم‌توان را توضیح می‌دهد و دلایل دشواری اعمال سیاست‌های مرسوم حمایت از کودک را در مورد این کودکان و در شرایطی که منابع کافی در دسترس نیست، بررسی می‌کند. به عقیده‌ی نویسنده، پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور به جای اینکه رویکرد کودک‌محور که در سیاست‌های حمایت از کودکان توصیه شده و اجرای آن در بیشتر کشورهای در حال توسعه بسیار دشوار است را در پیش بگیرند، باید از طریق شناسایی عوامل مسبب خشونت، رویکردی ساختاری نسبت به [مساله‌ی] حمایت از کودک را دنبال کنند.

## حمایت از کودکان کم‌توان در برابر خشونت

<sup>2</sup> African Child Policy Forum (ACPF)

<sup>3</sup> Terre des Homes مؤسسه بین المللی خیریه‌ای که بر حمایت از حقوق کودکان متمرکز است

<sup>4</sup> «روشنایی برای جهان» مجموعه‌ای متشکل از چند سازمان مردم‌نهاد اروپایی در حمایت از حقوق معلولین است

تمامی مطالعاتی که پیش‌تر به آنها اشاره شد، گزارش می‌دهند که کودکان کم‌توان بیش از دیگر همسالان خود در برابر خشونت، آسیب‌پذیر هستند. این کودکان نه تنها بیشتر با خشونت مواجه می‌شوند بلکه پایان بخشیدن به خشونت و در صورت نقض حقوقشان، دسترسی به عدالت نیز برای آنها دشوارتر است (اشتوفر، ۲۰۰۷؛ انجمن آفریقایی سیاست‌های [حمایت از] کودکان، ۲۰۱۱؛ سازمان نجات کودکان، ۲۰۱۱). در جریان پژوهش در مورد خشونت علیه این کودکان، نویسندگان متوجه شد که غالباً اجتماع و در سطحی گسترده جامعه، از وجود این کودکان بی‌اطلاع هستند. بعضی خانواده‌ها کودکان خویش را پنهان می‌کنند. در عین حال، بسیاری از کودکانی که عامدانه پنهان نشده‌اند، به مدرسه نمی‌روند و کمتر با هم سن و سالانشان در محله بازی می‌کنند. در مورد این کودکان چنین تصور می‌شود که ارزش سرمایه‌گذاری ندارند، چرا که جامعه بر این باور است که آنها در آینده به افراد بزرگسالی که از لحاظ اقتصادی مولد باشند تبدیل نخواهند شد. بیشتر افراد جامعه درک اندکی از ناتوانی‌ها و توانمندی‌های این اشخاص دارند (بورسما، ۲۰۰۸). خانواده‌های این کودکان هنگامی که در جستجوی عدالت برای حقوق نقض شده‌ی کودکان هستند، هیچ همراهی و کمکی دریافت نمی‌کنند. افراد متخصص نظیر ماموران پلیس، کادر پزشکی و حتی معلمان، اشتیاقی برای کمک به این کودکان ندارند و بدین ترتیب، حقوق‌شان را نقض کرده و مانع دسترسی آنها به عدالت می‌شوند (اشتوفر، ۲۰۰۷؛ انجمن آفریقایی سیاست‌های [حمایت از] کودکان، ۲۰۱۰؛ سازمان نجات کودکان، ۲۰۱۱).

#### قانونگذاری در خصوص حمایت از کودکان کم‌توان در برابر خشونت و تضمین دسترسی آنها به عدالت

در اتیوپی همانند سایر کشورها، قوانینی در خصوص حمایت از کودکان در برابر خشونت و تعقیب [قضایی] افراد قانون‌شکن وجود دارد. اتیوپی کنوانسیون حقوق کودک<sup>۵</sup> و کنوانسیون سازمان ملل در خصوص حمایت از افراد کم‌توان<sup>۶</sup> را تصویب کرده است. هردوی این معاهدات، حق کودک مبنی بر مورد حمایت قرار گرفتن در برابر خشونت را محترم می‌شمارند - مواد ۲، ۱۹، ۲۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰. گویای آن هستند که "کودکان کم‌توان باید از تمامی حقوق بشر بهره‌مند باشند" و نیز "تمامی اقدامات مناسب قانونی، اداری، اجتماعی، آموزشی و سایر اقدامات در راستای حمایت از اشخاص کم‌توان در برابر استعمار، خشونت و بدرفتاری" باید صورت گیرد. اگرچه کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد که همه‌ی کودکان حق دارند در برابر خشونت مورد حمایت قرار گیرند، اما در عمل، کودکان کم‌توان اغلب فراموش می‌شوند. برای مثال، اتیوپی از دستاوردهای چشمگیری در ارتباط با یکی از اهداف توسعه هزاره، "آموزش برای همه" خبر داده است که طی آن، در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱، درصد کودکان [محصّل] در مدارس تا ۹۶/۴ درصد افزایش یافته است (برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۱۱). [با این وجود] هیچ داده‌ی قابل اتکایی در خصوص ثبت نام کودکان کم‌توان در مدارس یافت نشده است (یونسکو، ۲۰۱۰؛ سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی، ۲۰۱۱). در سال ۲۰۰۶، دولت اتیوپی طرح برنامه‌ی آموزش مبتنی بر نیازهای خاص را تدوین کرد تا امکان حضور این کودکان را در مدارس افزایش دهد (وزارت آموزش و پرورش، ۲۰۰۶). بعد از گسترش برنامه‌ی مزبور، تعداد مدارس استثنایی در اتیوپی ۱۵ مدرسه باقی ماند اما شمار کلاس‌های استثنایی در مدارس معمولی از ۴۲

<sup>۵</sup>Convention on the Rights of the Child

<sup>۶</sup> UN Convention on the Rights of Persons with Disabilities

کلاس به ۲۸۵ کلاس افزایش پیدا کرد (سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی، ۲۰۱۱). به منظور کسب اطمینان از اینکه کودکان کم‌توان از اجرای سیاست‌ها و کنوانسیون‌ها محروم نشوند، استراتژی‌ها و قانونگذاری‌ها باید توجه ویژه‌ای به این کودکان داشته باشند.

در تحقیقی که توسط سازمان "نجات کودکان"<sup>7</sup> و "سازمان بین‌المللی معلولین"<sup>8</sup> در موزامبیک، بوروندی، ماداگاسکار و تانزانیا صورت گرفته، گزارش شده که هم بزرگسالان و هم کودکان کم‌توان، دستیابی به عدالت را بسیار دشوار می‌دانند. قضات در موزامبیک گزارش داده‌اند که از مفاد کنوانسیون‌های تصویب‌شده توسط دولت‌شان، نظیر کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حمایت از افراد کم‌توان استفاده نکرده و صرفاً به قوانین داخلی رجوع می‌کنند. بر اساس این پژوهش، تنها تعداد محدودی از پرونده‌ها به مرحله دادگاه می‌رسند و صرفاً شمار معدودی به نتیجه‌ای مثبت به نفع قربانی منجر می‌شوند (سازمان نجات کودک، ۲۰۱۱).

### پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور و حمایت از کودک

پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور در اتیوپی و در اقصی نقاط دنیا، به منظور حمایت از پذیرش کودکان کم‌توان در جامعه و وارد نمودن آنها به زندگی اجتماعی فعالیت می‌کنند. مفهوم توانبخشی جامعه‌محور، در سطح بین‌المللی توسعه یافته و در "دستورالعمل‌های توانبخشی جامعه‌محور"<sup>9</sup> که توسط سازمان بهداشت جهانی، سازمان بین‌المللی کار، یونسکو و ائتلاف بین‌المللی ناتوانی و توسعه<sup>10</sup> به نگارش در آمده، شرح و بسط داده شده است (۲۰۱۰). در پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور که با مشارکت [سازمان] "روشنایی برای جهان" انجام می‌گیرد، اطلاعات درباره‌ی تعداد موارد بدرفتاری با کودکان که مددکاران توانبخشی جامعه‌محور، سالانه با آن روبرو هستند و اقداماتی که به منظور توقف خشونت صورت گرفته است، جمع‌آوری می‌گردد. قابل توجه اینکه، در حالیکه مدیران برخی از پروژه‌ها اعلام کرده‌اند هیچ مورد [اعمال] خشونتی مشاهده نشده، مکالمات خصوصی با کارمندان، نشان داده است که همگی آنها از پرونده‌های کودکانی که با خشونت روبه‌رو شده‌اند آگاه هستند. کار توانبخشی جامعه‌محور، سطح وسیعی را پوشش می‌دهد و کم‌وبیش غیرممکن است که یک پروژه، تمامی مسائل مربوط به افراد کم‌توان را در جامعه پوشش دهد. بسیاری از پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور، دانش و تخصص کافی برای کمک به کودکان کم‌توان و حمایت از آنها در برابر خشونت را ندارند. نویسنده به پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور توصیه می‌کند که فعالیت خود را از آنچه که در آن توانمند هستند آغاز کنند و از آن نقطه، کارشان را به سایر زمینه‌ها گسترش دهند. از آنجایی که هیچ راهکاری برای مقابله با خشونت علیه کودکان کم‌توان وجود ندارد، شاید مددکاران اجتماعی که در سطح میدانی فعالیت می‌کنند وقتی با چنین نمونه‌هایی مواجه می‌شوند، لازم ندانند مشکلاتی که به نظر غیر قابل حل می‌رسند را گزارش دهند. در نتیجه این احتمال وجود دارد که مدیریت پروژه، در خصوص خشونت علیه کودکان کم‌توان بی تفاوت باقی بماند. اگر به این موضوع پرداخته نشود، ممکن است در بسیاری موارد، کودکان، خانواده‌های‌شان و مددکاران پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور در سطوح

<sup>7</sup> Save the Children

<sup>8</sup> Handicap International

<sup>9</sup> CBR Guidelines

<sup>10</sup> International Disability and Development Consortium (IDDC)



پائین‌تر، سعی کنند که خودشان از عهده‌ی این مشکل برآیند.

زمانی که مدیران پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور تلاش می‌کنند تا از کودکانی که حقوقشان نقض شده حمایت کنند، کمک اندکی برای حل این مشکل دریافت می‌کنند و گاه نیز از هیچ کمکی برخوردار نمی‌شوند. آنان نیز در محیطی کار می‌کنند که اجتماع، متخصصین، سیستم‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، از کودکان کم‌توان در برابر آسیب حمایت نمی‌کنند و دسترسی به عدالت نیز برای آنها با محدودیت مواجه است. سازمان‌هایی که برای حقوق کودکان فعالیت می‌کنند اغلب، کودکان کم‌توان را در حیطه فعالیت خود وارد نمی‌کنند. بی‌شک، این معضل تا زمانی که هیچ سیاستی در جهت حمایت از کودک وجود نداشته باشد یا هیچ اقدامی در راستای شناسایی موضوع خشونت علیه کودکان کم‌توان در پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور صورت نگیرد، به قوت خود باقی خواهد ماند. علی‌رغم وجود قوانین و سیاستگذاری‌های ملی، آن دسته از مددکاران اجتماعی که در سطح میدانی فعالیت می‌کنند و درگیر موارد نقض حقوق [کودکان کم‌توان] هستند، آگاهی لازم را دریافت نمی‌کنند. در عین حال، متخصصینی که باید به این موضوع رسیدگی کنند، از مواردی که در آنها کودکان کم‌توان با خشونت روبرو می‌شوند بی‌اطلاع هستند.

#### توسعه [برنامه‌های] توانبخشی جامعه‌محور و سیاست‌های حمایت از کودک

به صورت سنتی، بسیاری از پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور بر ارائه‌ی خدمات متمرکز بوده و در ابتدا، روی فعالیت‌های پزشکی و توانبخشی تمرکز داشته‌اند. با افزایش آگاهی در خصوص اهمیت در نظر گرفتن کم‌توانی به عنوان یک مفهوم برساخته‌ی اجتماعی<sup>11</sup>، آموزش و فعالیت‌های معیشتی به بسیاری از پروژه‌ها اضافه شده است. دستورالعمل‌های توانبخشی جامعه‌محور (سازمان بهداشت جهانی، سازمان بین‌المللی کار، یونسکو و ائتلاف بین‌المللی ناتوانی و توسعه، ۲۰۱۰) تقریباً همزمان با کنوانسیون سازمان ملل در خصوص حقوق افراد کم‌توان تدوین شد و اهمیت توانمندسازی، موانع رفتاری و محیطی معلوم گردیده و توجه [عمومی] به کم‌توانی در تمامی [حوزه‌های] خدمات اجتماعی، به هدف فلسفه‌ی توانبخشی جامعه‌محور تبدیل شد.

مشکلاتی که منجر به اعمال خشونت علیه کودکان کم‌توان شده و مانع دسترسی آنها به عدالت در هنگام نقض حقوقشان می‌گردد، عمدتاً معلول موانع رفتاری و محیطی از جانب اجتماع و در مقیاس وسیع‌تر، از جانب جامعه هستند. در عین حال، نبود [فرآیند] توانمندسازی و کمبود اعتماد به نفس افراد کم‌توان و خانواده‌های آنها، آسیب‌پذیری این کودکان را افزایش می‌دهد. هر دوی این مسائل، مشکلات ساختاری هستند که با طرز نگرش و برخورد جامعه با افراد کم‌توان ارتباط پیدا می‌کنند (بورسما، ۲۰۰۸). با این حال، نگاهی به سیاست‌های حمایت از کودکان چه از جانب سازمان‌های مربوط به حوزه کودک به معنای عام و چه از جانب سازمان‌هایی که به طور خاص در حوزه‌ی افراد کم‌توان فعالیت می‌کنند، نشان از آن دارد که سیاست‌های حمایت از کودک عمدتاً بر روی یک کودک به طور فردی و [نیز] شخصی که مرتکب خشونت شده، متمرکز هستند.

بیشتر سیاست‌های حمایت از کودک که توسط سازمان‌ها برای کاربرد داخلی توسعه داده شده‌اند (بر مبنای مطالعه سال

<sup>11</sup> Social Construct

۲۰۰۸ نویسنده بر روی ۱۰ راهکار داخلی حمایت از کودک در سازمان‌هایی که در هر دو حوزه‌ی کم‌توانی یا کودکان به معنای عام، فعالیت می‌کردند) بر روی کارمندان تمرکز دارند و برخی از آنها، فعالیت‌های حمایت از کودک را، در رابطه‌ی با شرکای پروژه‌ی خود توصیف می‌کنند. سیاست‌های حمایت از کودک، کارمندان را راهنمایی می‌کنند که چگونه از موقعیت‌هایی که در آن حقوق کودکان نقض می‌شود، جلوگیری کنند و [همچنین] شامل سازوکارهایی برای مقابله با کارمندانی هستند که حقوق یک کودک را نقض کرده‌اند. در خصوص اینکه چه مواردی مصداق خشونت علیه کودکان محسوب می‌شود توضیحاتی می‌دهند و سازمان‌های همکار نیز تشویق می‌شوند که یا خود سیاست‌های حمایت از کودک را تدوین کنند و یا ملزم به اقتباس از سیاست سازمان مبدأ شوند. توصیه‌ی همه‌ی سیاست‌ها بر این است که کودکانی که در معرض خشونت قرار گرفته‌اند باید از موقعیت خشونت‌آمیز دور شوند. جهت دستیابی به عدالت برای کودک، باید مراحل قانونی دنبال شوند و کمک‌های روانی و عاطفی نیز مهیا شوند. در چنین موقعیت‌هایی، اصلی‌ترین مساله باید تامین منافع عالی‌ه‌ی کودک باشد. تمامی توصیه‌های سیاست‌های حمایت از کودکان موجه هستند. با این وجود، برای بسیاری از پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور دشواری کار آنجاست که پیگیری بسیاری از توصیه‌ها در عمل مشکل است.

در اطلاعات جمع‌آوری شده از پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور که توسط [مجموعه‌ی] «روشنایی برای جهان» جمع‌آوری شده، بی‌توجهی به کودکان کم‌توان در خانه، رایج‌ترین نوع خشونت گزارش شده بود. پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور در طول چند دهه اخیر، در این حیطه بسیار موفق عمل کرده‌اند. بازدیدهای مرتب توسط مددکاران پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور و فعالیت‌هایشان در توانبخشی، سبب کاهش چشمگیر موارد بی‌توجهی [به کودک] شده است. خانواده‌ها [تلاش برای] افزایش آگاهی درباره‌ی کم‌توانی فرزندانشان را آغاز کرده‌اند و یا از طریق [برنامه‌های] توانبخشی، متوجه شده‌اند که کودکان توانایی یادگیری و کسب مهارت را دارد. کمی بعد از شروع مداخلات، توجه بیشتر و حمایت از کودک کم‌توان در بسیاری از خانواده‌ها مشاهده شده است. خانواده‌هایی که در آنها کودکان مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند تا بهتر گوش کنند (کودکان ناشنوا)، بهتر بفهمند (کودکانی با ناتوانی ذهنی) و در برخی مواقع ضرب و شتم کودک را به عنوان درمان در نظر می‌گرفتند (کودکانی با مشکل روان‌پزشکی یا رفتاری)، تنبیه کودک به دلیل کم‌توانی را متوقف کرده‌اند. با بالا بردن آگاهی در اجتماع و نشان دادن این موضوع به خانواده‌ها که کودکان کم‌توانشان فرصت یادگیری و رشد دارند، مددکاران برنامه‌های توانبخشی جامعه‌محور بسیاری از خشونت‌ها علیه کودکان کم‌توان را کاهش داده‌اند. در طول سه دهه‌ی اخیر، فعالیت پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور در جهت بهبود شرایط برای کودکان کم‌توان در محیط زندگی خودشان بوده است. بدین معنی که در برخی موارد، کودکان در محیط‌های خشونت‌بار باقی مانده و مداخله‌ی دست‌اندرکاران این برنامه‌ها وضعیت بسیاری از این محیط‌ها را بهتر کرده است. بنابراین، وضعیت کودک کم‌توان در عرض یک شب تغییر نکرده بلکه به آهستگی بهبود یافته است.

فلسفه‌ی توانبخشی جامعه‌محور این است که درون اجتماع کار کند. این بدان معنا است که کودکان درحالی‌که همچنان با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند، توانبخشی و کمک لازم جهت ماندن در خانواده و زندگی اجتماعی را دریافت می‌کنند. سیاست‌های حمایت از کودک، رهایی کودکان از موقعیت خشونت‌بار را توصیه می‌کنند که در بسیاری موارد

به معنای دور نمودن آنها از خانواده‌ها و جوامع محلی‌شان است. با این وجود در [برنامه‌های] توانبخشی جامعه‌محور، مؤسسات، به مثابه مکانی در نظر گرفته می‌شوند که در آن، کودکان کم‌توان از جامعه جدا می‌شوند و [این موضوع] ثابت شده که [مؤسسات مزبور] به هیچ وجه برای این کودکان امن‌تر نیستند (هَلِنْدِر، ۲۰۰۴؛ کوول و بکر، ۲۰۱۱). مهمترین مساله، مشخصاً نگرش منفی اجتماع و در سطح گسترده‌تر، جامعه، نسبت به موضوع کم‌توانی است که در صورت وقوع خشونت، یافتن مکانی امن برای کودک را دشوار و در غالب موارد غیرممکن می‌کند. حتی اگر ترجیح پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور در برخی از موارد این باشد که کودکان را دور از خانواده‌هایشان نگه دارند، بسیاری از کشورهای در حال توسعه فاقد تسهیلات لازم مانند مؤسسات یا خانواده‌هایی هستند که سرپرستی کودک را به عهده بگیرند. معمولاً امکانات موجود برای کودکان کم‌توان نامناسب هستند و سیستم‌های حمایتی مرسوم مانند همسایگان یا اعضای خانواده اغلب تمایلی ندارند این کودکان را تحت پوشش قرار دهند. در بیشتر موارد، مداخله‌ی مددکاران پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور، پس از گذشت مدتی، موارد خشونت درون خانواده‌ها را کاهش داده و به تدریج باعث توقف آن می‌گردد.

بخش دیگری از راهنمایی‌های مندرج در بسیاری از سیاست‌های حمایت از کودک، مراجعه به پلیس و فعالیت در راستای تحقق عدالت برای کودک کم‌توان است. همانطور که در مقدمه‌ی این مقاله عنوان شد، بسیاری از افراد کم‌توان که به دستگاه قضایی مراجعه کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که پرونده‌های‌شان جدی گرفته نشده و هرگز به مرحله دادگاه نرسیده است. در کشورهایی که در آنها قوانین حمایت از کودکان و به ویژه کودکان کم‌توان وجود دارد، قضات یا از این قوانین آگاه نیستند یا در دادگاه‌ها از آنها استفاده نمی‌کنند (انجمن آفریقایی سیاست‌های [حمایت از] کودکان، ۲۰۱۰؛ نجات کودکان، ۲۰۱۱). برای کودکان، تجربه‌های ناموفق برخورد با پلیس و دستگاه قضایی، بسیار آسیب‌رسان‌تر از خودداری از طرح موضوع است. صرف نظر از [مساله‌ی] نقض حقوق، کودکان مورد بی توجهی همان متخصصانی واقع می‌شوند که قرار است از این حقوق حمایت کنند. شنیدن این امر که کودکان کم‌توان، کم‌اهمیت‌تر از سایر افراد اجتماع در نظر گرفته می‌شوند کمکی به درمان این آسیب نمی‌کند.

همچنین، تامین حمایت روانی توصیه شده از کودکان نیز دشوار است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، دچار کمبود نیروی متخصص شایسته هستند و غیر واقع بینانه است که انتظار داشته باشیم مددکاران [برنامه‌های] توانبخشی جامعه‌محور (که غالباً آموزش کمی در خصوص فعالیت‌های‌شان دریافت می‌کنند) این مورد را به فهرست فعالیت‌های‌شان اضافه کنند. البته راه‌های سنتی برای دسترسی به حمایت‌های روانی در اماکن مذهبی و سایر اجتماعات و [مراکز] شفابخشی سنتی وجود دارد، اما در وهله‌ی اول مهم است که چگونگی نگرش افرادی که به نوعی با کودکان کم‌توان در ارتباط هستند، نسبت به مساله "کم‌توانی" مشخص شود. از آن جا که این افراد بخشی از جامعه هستند، احتمال اینکه آنها نیز نسبت به کودکان کم‌توان و نیازشان به حمایت در برابر خشونت، نگرش منفی داشته باشند، زیاد است.

جهت ارزیابی برخی از داده‌هایی که ۴ سال پیش جمع‌آوری شده بودند، ۶ سازمان در مرکز یکی از استان‌های اتیوپی، درباره فعالیت‌ها و امکانات‌شان در حوزه‌ی حمایت از کودکان کم‌توان مورد سوال قرار گرفتند. این سازمان‌ها عبارت



بودند از دو اداره‌ی دولتی، دو مدرسه با کلاس‌های استثنایی ویژه‌ی کودکان کم‌توان، یک پروژه‌ی توانبخشی جامعه‌محور و یک سازمان که در حوزه‌ی حمایت از کودک برای همه‌ی کودکان فعالیت می‌کرد. هیچ یک از این سازمان‌ها نه سیاست و نه فعالیتی در راستای حمایت از کودکان، خصوصاً کودکان کم‌توان نداشتند. هیچ اطلاعاتی در خصوص خشونت علیه کودکان کم‌توان جمع‌آوری نشده بود و افراد درون سازمان‌ها احساس می‌کردند که هیچ پشتیبانی برای مقابله با موقعیت‌های مربوط به کودک آزاری، دریافت نمی‌کنند. با این وجود، یکی از معلمین به ابتکار خود روی [موضوع] حمایت از کودکان کار می‌کرد. او آدرس خانه‌ی تمام کودکانی که به آنها درس می‌داد را می‌دانست و هر زمان که احساس نیاز می‌کرد، خانواده‌ها را برای مشاوره و همفکری ملاقات می‌کرد. والدین برای مشورت درباره‌ی فرزندان‌شان به کلاس می‌آمدند و معلم، کودکان را به برقراری ارتباط و صحبت از مشکلات‌شان در مدرسه تشویق می‌کرد. از آنجایی که تمامی کودکان، ناشنوا بوده و بیشتر والدین در [استفاده از] زبان اشاره ضعیف بودند، کودکان در برقراری ارتباط با معلم‌شان احساس راحتی بیشتری می‌کردند. در طول ده سال اخیر، آن سازمانی که فعالیتش معطوف به همه‌ی کودکان بود، تلاش کرده بود تا از طریق استقرار افسران پلیس مخصوص کودکان در هر یک از مراکز پلیس، تشکیل دادگاه‌هایی متناسب با کودکان، ایجاد سیستم بازگرداندن مرتکبین بدرفتاری با کودک به سازمان و سیستم اجتماعی برای حمایت از کودک، فضا را به نفع حمایت از کودکان تغییر دهد. با این وجود، آنها کودکان کم‌توان را در برنامه‌های حمایت از کودک نگنجانده بودند و هیچ اطلاعاتی در مورد کودکان کم‌توان قربانی خشونت نداشتند. آنها برای حمایت از کودکان کم‌توان فعالیت‌های محدودی انجام داده‌اند اما این فعالیت‌ها مربوط به حوزه تخصصی‌شان در حمایت از کودک نبوده است.

### حمایت از کودکان کم‌توان در برابر خشونت در داخل اجتماعات خودشان

خشونتی که کودکان کم‌توان با آن روبه‌رو می‌شوند از نگرش، شناخت و درکی که اجتماع و در سطحی وسیعتر جامعه، درخصوص کم‌توانی دارد، نشأت می‌گیرد (انجمن آفریقایی سیاست‌های [حمایت از] کودکان، ۲۰۱۰؛ نجات کودکان، ۲۰۱۱). بالا بردن آگاهی و آموزش اشخاص کلیدی در اجتماع در مورد آسیب‌پذیری کودکان کم‌توان و ترویج درک بهتری از توانایی‌ها و حقوق افراد کم‌توان می‌تواند چرخه خشونت را متوقف کند. فارغ از جامعه و رهبران آن (افراد مذهبی، سنتی، درون سیستم دولت) و سایر اشخاص مورد احترام در جامعه، باید آموزش‌هایی برای پلیس و سایر افراد در دستگاه قضایی وجود داشته باشد. برای این گروه‌ها، بالا بردن آگاهی درخصوص کنوانسیون سازمان ملل که به اشخاص کم‌توان مربوط است، بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

در بسیاری از حوزه‌هایی که برنامه‌های توانبخشی جامعه محور اجرا می‌شوند، سازمان‌هایی نیز وجود دارند که فعالانه بر روی جنبه‌های مختلف حقوق کودک فعالیت می‌کنند. همان‌طور که پیشتر گفته شد، بسیاری از سازمان‌های مربوط به حوزه‌ی کودک به معنای عام، در خصوص کودکان کم‌توان فعالیت نمی‌کنند. پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور می‌توانند به آنها کمک کنند تا این حوزه‌ی به خصوص را نیز بهتر درک کنند و با [توجه به] تجربه‌ی وسیعی که در خصوص حمایت از کودک و حقوق کودک دارند، در همکاری با هم، از کودکان کم‌توان در مقابل خشونت حمایت کنند. آگاهی در مورد حمایت از کودکان کم‌توان، هم در سطح محلی و هم جهانی، می‌تواند از طریق به اشتراک گذاشتن تجارب و

مستندسازی دستاوردها، افزایش یابد. اگرچه، فعالیت داخل اجتماع برای مقابله با خشونت علیه کودکان کم‌توان ممکن است وقت و انرژی بیشتری بطلبد، اما در عین حال راهی پایدارتر برای حل مشکلات است. کارکردن بر روی تغییر نگرش و از میان برداشتن موانع برای کودکان در جامعه، در [حیطه‌ی] رویکرد توانبخشی جامعه محور می‌گنجد. در هنگام مواجهه با معضل خشونت علیه کودکان کم‌توان، دو حوزه‌ی اصلی دستورالعمل‌های توانبخشی جامعه‌محور، یعنی عنصر اجتماعی و عنصر توانمندسازی، مورد توجه قرار می‌گیرند. سه عنصر سلامت، آموزش و معیشت که در دستورالعمل‌های توانبخشی جامعه محور تشریح شده اند (سازمان بهداشت جهانی، سازمان بین‌المللی کار، یونسکو، ائتلاف بین‌المللی ناتوانی و توسعه، ۲۰۱۰) نیز به میزان کمتری مورد توجه هستند.

یکی از نتایج به‌دست آمده از مصاحبه با کودکان کم‌توان این بود که [ارتباط با] سازمان‌های مخصوص افراد کم‌توان و [برگزاری] نشست‌های غیررسمی با سایر کودکان کم‌توان، در آگاه کردن آنها نسبت به غیرقابل قبول بودن خشونت که تجربه کرده اند، نقش مهمی داشته است. بیشتر پروژه‌های توانبخشی جامعه محور با سازمان‌های محلی ویژه‌ی افراد کم‌توان کار می‌کنند. ضروری است که این سازمان‌ها، در تدوین استراتژی حمایت از کودک دخیل باشند چرا که ظاهراً در بالا بردن سطح آگاهی و توانمندسازی افراد کم‌توان برای دور شدن از محیطی که در آن مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند، یا توقف پذیرش خشونتی که به آنان اعمال می‌شود، نقش مهمی دارند.

سیاست‌های حمایت از کودک به دنبال دور کردن کودک از موقعیت‌های خشونت‌بار، کمک برای تحقق عدالت در مورد کودک و حمایت‌های روانی بعد از بدرفتاری هستند. اگرچه این توصیه‌ها در مورد هر کودکی مصداق دارد، اما باید در صورت امکان، در مورد کودکان کم‌توان نیز به کار بسته شود. در حال حاضر بسیاری از پروژه‌های توانبخشی جامعه‌محور، پشتیبانی لازم را برای مددکاران [برنامه‌های] توانبخشی جامعه‌محور جهت شناسایی و توجه به موارد خشونت علیه کودکان کم‌توان فراهم نمی‌کنند. یکی از دلایل، این است که بسیاری از سیاست‌های حمایت از کودک، در موقعیت‌هایی که مددکاران [برنامه‌های] توانبخشی جامعه محور با آن مواجه هستند، قابل اجرا نیستند. بنابراین، نگارنده معتقد به نظام متفاوتی از حمایت از کودک در [برنامه‌های] توانبخشی جامعه‌محور است. به جای رویکردی کودک محور، پروژه‌های توانبخشی جامعه محور باید در جهت تغییر شرایطی که هم اعمال خشونت به کودکان کم‌توان را مجاز می‌شمارد و هم مانع دسترسی به عدالت برای این کودکان می‌گردد، اقدام کنند، با این امید که روزی خشونت علیه تمامی کودکان، از جمله کودکان کم‌توان از میان برود و در نتیجه نیازی به رجوع به سیستم قضایی نباشد.

این مقاله ترجمه‌ای است از:

Boersma, Marieke (2013). *Protecting Children with Disabilities from Violence in CBR Projects: Why We Need to Work with a Different Form of Child Protection Policy for Children with Disabilities*. Disability, CBR & Inclusive Development Journal, VU University Amsterdam, Vol. 24, No. 3

## REFERENCES

- African Child Policy Forum (ACPF) (2010). Breaking the silence, violence against children with disabilities in Africa. Addis Ababa: The African Child Policy Forum. Available from: <https://app.box.com/s/6sx37rls7t0m5c90yps3/1/116120024/1019081819/1>
- African Child Policy Forum (ACPF) (2011). Violence against children with disabilities in Africa, A field study from Cameroon, Ethiopia, Senegal, Uganda and Zambia. Addis Ababa: The African Child Policy Forum. Available from: <https://app.box.com/s/6sx37rls7t0m5c90yps3/1/116120024/2473341333/1>
- Boersma JMF (2008). Violence against Ethiopian children with disabilities, the stories of children. Amsterdam, Masters Thesis, University of Amsterdam. Available from: [http://www.aifo.it/english/disability/documents/cbr\\_violenza/violence\\_ethiopian\\_disabled\\_children\\_marieke.pdf](http://www.aifo.it/english/disability/documents/cbr_violenza/violence_ethiopian_disabled_children_marieke.pdf) [Accessed on 5 November 2012]
- Covell K, Becker J (2011). Five years on: A global update on violence against children. New York: NGO Advisory Council for the U.N. Secretary General's study on violence against children. Available from: <http://www.cbu.ca/crc/sites/cbu.ca.crc/files/documents/Five%20years%20on-%20A%20global%20update%20on%20violence%20against%20children%20%28low%20res%29.pdf>
- Groce NE, Peaglow C (2005). Violence against disabled children. UN Secretary Report on Violence against Children. New York, UNICEF. Available from: [http://www.unicef.org/videoaudio/PDFs/UNICEF\\_Violence\\_Against\\_Disabled\\_Children\\_Report\\_Distributed\\_Version.pdf](http://www.unicef.org/videoaudio/PDFs/UNICEF_Violence_Against_Disabled_Children_Report_Distributed_Version.pdf)
- Helander E (2004). The world of the defenceless. Defence for Children International. Geneva: IASI
- Ministry of Education (2006). Special needs education programme strategy: Emphasising inclusive education to meet the UPEC and EFA goals. Addis Ababa.
- Save the Children and Handicap International (2011). Out from the shadows, sexual violence against children with disabilities. Available from: [http://www.handicap-international.org.uk/NR/rdonlyres/BF443E7C-570C-4DB9-AB69-56E3B278DD35/0/OutFromTheShadows\\_2011.pdf](http://www.handicap-international.org.uk/NR/rdonlyres/BF443E7C-570C-4DB9-AB69-56E3B278DD35/0/OutFromTheShadows_2011.pdf)
- Stöpler L (2007). Hidden shame: Violence against children with disabilities in East Africa. Den Haag, Terre des Homes. Available from: <http://www2.ohchr.org/english/issues/women/docs/VAWHRC20/OtherEntities/TerreDesHommes.pdf>
- United Nations Development Programme (2011). Achieve universal primary education. Statistics on website. Available from: <http://www.undp.org/content/ethiopia/en/home/mdgoverview/overview/mdg2/>
- UNESCO (2010). Reaching the marginalised. EFA Global Monitoring Report 2010. Paris: UNESCO and Oxford University Press. Available from: <http://www.uis.unesco.org/Library/Documents/gmr10-en.pdf>
- World Health Organisation, International Labour Organisation, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organisation, International Disability and Development Consortium (WHO, ILO, UNESCO, IDDC) (2010). Community based rehabilitation guidelines. Geneva: World Health Organisation.
- World Health Organisation & World Bank (2011). World report on disability. Geneva: World Health Organisation. Available from: [http://www.who.int/disabilities/world\\_report/2011/accessible\\_en.pdf](http://www.who.int/disabilities/world_report/2011/accessible_en.pdf)